

تحلیل جامعه‌شناختی اشعار احمد شاملو

با استفاده از نظریه «عمل» پیر بوردیو

زهره فلاحی *

احمد خیالی خطیبی **

محمدصادق فرید ***

چکیده

رابطه جامعه و ادبیات دوسویه است؛ به‌طوری‌که هریک بر دیگری اثر می‌گذارد. بوردیو در نظریه عمل به تعامل ادبیات و جامعه و تأثیر متقابل آن‌دو بر یکدیگر پرداخته است. در مقاله حاضر، با هدف تحلیل جامعه‌شناختی اشعار احمد شاملو با استفاده از نظریه «عمل» پیر بوردیو، سه رکن منش، میدان و کنش در تحلیل اساس قرار داده شده تا طرز تفکر و نوع عملکرد این شاعر نوپرداز معاصر روشن شود. نوع تحقیق در این نوشته، از حیث ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی و براساس هدف، بنیادی-نظری است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که ذهنیت شاعر، که بر مبنای نوع تربیت فردی و اجتماعی در خانواده و جامعه شکل گرفته، منشی ثابت و پایدار است و با ذائقه (منش) خاصی که دارد، در مواجهه با قدرت حاکم (میدان)، به میزان برخورداری از سرمایه‌های موجود، سبک زندگی را انتخاب می‌کند و با توجه به جایگاهی (قطب استقلال) که در آن قرار می‌گیرد، در اثر تضاد دیالکتیکی (بین منش و میدان)، موضعی سخت و به‌شدت منفی می‌گیرد و کنش‌های متفاوتی نشان می‌دهد که برآیند آن سرودن اشعار سیاسی-اجتماعی و در مرتبه اعلی، نوآوری در زیرمیدان تولید شعر فارسی است.

کلیدواژه‌ها: شعر معاصر، شاملو، نوآوری، بوردیو، نظریه عمل.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی z.fallahi33@gmail.com
** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول) ahmadkhatibi840@yahoo.com
*** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی moh.farbod@iauctb.ac.ir



تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸

دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، سال ۲۹، شماره ۹۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۲۳۵-۲۱۵

Zohreh Fallahi*
Ahmad Khiyali Khatibi**
Mohammad Sadegh Farbod***

There is a two-way relationship between society and literature so that each one affects the other. In his theory of practice, Bourdieu deals with the interaction between literature and society and their mutual impact on each other. In the present article using Pierre Bourdieu's theory of "practice", three concepts of habitus, field, and action have been considered as the basis of analysis to provide a sociological investigation of Ahmad Shamlou's poems and to clarify the way of thinking and type of action of this contemporary innovative poet. The research method in this study is descriptive-analytical in nature and fundamental-theoretical based on the purpose. The findings indicated that the poet's habitus, which was based on the type of personal and social education in the family and society, was a fixed and stable habitus and with a special taste (habitus) in the face of the ruling power (field), to the extent that he had the available capital, he chose his lifestyle according to the position (pole of independence) in which he was located, due to the dialectical contradiction (between habitus and field), he chose a difficult and highly negative position. The poet performed different actions, the result of which was composing socio-political poems and, above all, innovating the sub-field of Persian poetry production.

Keywords: contemporary poetry, Shamlou, innovation, Bourdieu, Practice Theory.

* PhD Candidate in Persian Language and Literature at Islamic Azad, Central branch, z.fallahi33@gmail.com

** Assistant Professor in Persian Language and Literature at Islamic Azad University, Central branch, *ahmadkhatibi840@yahoo.com*

*** Assistant Professor in Persian Language and Literature at Islamic Azad University, Central branch, *moh.farbod@iauctb.ac.ir*

به عقیده برخی ادب‌پژوهان، سروده‌های اواخر دوره مشروطه آغاز شعر معاصر است. شعر معاصر پدیده‌ای جدید است که در بازه زمانی صدسال اخیر در مسیر نوگرایی و نواندیشی گام گذاشته است. به تعبیر دیگر، شعر معاصر مبین نوآوری و نوپردازی در عناصر و مفاهیم شعری، از قبیل فرم، ساخت، قالب، سبک، محتوا، زبان، موسیقی و...، است. در این میان، مبتکران شعر نو جایگاه ویژه‌ای در ادبیات معاصر دارند که نشناختن آن و تحلیل نادرست شعر شاعران نوآور، برداشت‌های نادرستی در پی خواهد داشت. مسئله اصلی این تحقیق، بررسی نوآوری شاملو در شعر معاصر فارسی است که یکی از شاعران نوآور صدسال اخیر است. هدف این تحقیق دستیابی به طرز تفکر و نوع عملکرد شاملو است که بازتاب آن را می‌توان در سروده‌هایش مشاهده کرد. تحلیل اشعار شاعر، با استفاده از نظریه «عمل» بوردیو به ما می‌آموزد که چگونه منش (ذهنیت) شاعر با در نظر گرفتن نوع تربیت فردی و اجتماعی در خانواده و جامعه شکل می‌پذیرد و شاعر با ذائقه خاص خود، در مواجهه با میدان قدرت، چه سبکی از زندگی را انتخاب می‌کند و با توجه به جایگاهی (قطب) که در آن قرار دارد، چه موضعی می‌گیرد و در نهایت، با تأثیر گرفتن از منش خود، چه کنشی نشان می‌دهد و فرآیند این کنش در کدام زیرمیدان تولید ادبی قرار می‌گیرد.

بسیاری از پژوهشگران دربارهٔ شاعران معاصر از زوایای مختلف تحقیق کرده‌اند. در این مقاله، با استفاده از نظریهٔ «عمل» پیر بوردیو، به تحلیل جامعه‌شناختی اشعار احمد شاملو پرداخته شده است. طبق پژوهش‌های صورت گرفته، تاکنون پژوهشی جامعه‌شناختی دربارهٔ اشعار احمد شاملو با استفاده از نظریهٔ «عمل» پیر بوردیو صورت نگرفته است، اما از بین پژوهش‌هایی که با تحقیق حاضر قرابت دارند، می‌توان به مقاله‌های «بررسی بازتاب ستیز اجتماعی در اشعار احمد شاملو» نوشته سید احمد مرتضوی و همکاران (۱۳۹۶)، «بررسی هم‌کنشی و آزادی مثبت در شعر احمد شاملو» نوشته فریبرز رئیس‌دانا (۱۳۸۴)، «مروری بر اندیشهٔ احمد شاملو» نوشتهٔ فرهاد فلاحت‌خواه (۱۳۸۵)، «شیوه‌های نوآوری در شعر معاصر» نوشتهٔ نصرالله دشتی (۱۳۹۰)، «تحلیل مضامین پایداری اخوان ثالث، براساس نظریهٔ عمل پیر بوردیو» نوشتهٔ آرزو یوریزدان پناه

کرمانی و رحیم کرمی (۱۳۹۷) و «تحلیل جامعه‌شناسی اشعار جمال‌الدین محمدبن‌عبدالرزاق اصفهانی» نوشته علی‌اصغر مقصودی و همکاران (۱۳۹۴) اشاره کرد.

روش تحقیق

نوع تحقیق در این مقاله، از حیث ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی و براساس هدف، بنیادی-نظری است. جامعه آماری این تحقیق شاعران نوپرداز معاصر صدساله اخیر و نمونه بررسی‌شده اشعار احمد شاملو است. در این پژوهش، از شیوه مطالعه کتابخانه‌ای (بررسی متون و محتوای مطالب) استفاده شده و ابزار سنجش و گردآوری اطلاعات در این نمونه‌گیری، فیش، جدول، و کارت است.

مبانی نظری (بحث)

بخش اول: جامعه‌شناسی ادبیات

ادبیات و جامعه دو مقوله‌ای هستند که همواره با هم در رابطه‌اند و در یکدیگر تأثیر متقابل دارند. بنابه گفته بسیاری از محققان، اثر ادبی بازتاب وقایع بیرونی و جامعه‌ای است که صاحب آن به قلم خویش و با خلاقیت ذهنی به آفرینش آن دست می‌زند و شاعر، نویسنده و هنرمند نقش مهمی در این باره دارد. پیوند میان ادبیات و جامعه ناگسستنی است؛ به‌طوری‌که تاریخ ادبیات نشان می‌دهد، بسیاری از خالقان آثار ادبی با جامعه و واقعیت‌های آن دست‌به‌گریبان بوده‌اند. «وظیفه نویسنده آن است که کاری کند تا هیچ‌کس از جهان بی‌اطلاع نماند و نتواند خود را از آن میرا جلوه دهد» (سارتر، ۱۳۴۸: ۴۴). در حدود سال ۱۸۰۰ میلادی، مادام دو استال،^۱ برای اولین بار، تأثیر متقابل ادبیات و جامعه را مطرح کرد: «من بر آنم که تأثیر دین و آداب‌ورسوم و قوانین را بر ادبیات و متقابلاً ادبیات را بر دین و آداب‌ورسوم و قوانین بررسی کنم» (اسکارپیت، ۱۳۹۲: ۱۶). بعدها، لوکاچ بود که ادبیات را با جامعه‌شناسی به‌طور عملی پیوند زد و توانست جامعه‌شناسی ادبیات را به علم اثباتی تبدیل کند و پس از او بزرگانی چون گلدمن،^۲ آدورنو،^۳ کوهرلر^۴ و باختین^۵ راه او را ادامه دادند.

جامعه‌شناسی ادبیات به‌شیوه کسانی چون جورج لوکاچ و لوسین گلدمن در ایران به نام جمشید مصباحی‌پور با کتاب *واقعیت اجتماعی و جهان داستان* و نیز با نام جعفر پوینده با

بخش اول: چارچوب نظریهٔ «عمل» پیر بورديو

منش: از نظر بورديو، منش «دربرگیرنده نظامی از تمایلات است که اصول و باورها، ارزیابی‌ها و قضاوت‌ها و کنش‌ها و رفتار فرد را تشکیل می‌دهد» (گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۰۵). بورديو، در جای دیگر، منش یا عادت‌واره را مجموعه‌ای از قابلیت‌ها می‌داند که فرد در طول حیات خود آنها را درونی و به طبیعت ثانویه تبدیل می‌کند و بدون اینکه آگاه باشد، براساس آنها عمل می‌کند. منش شخصیت فرد را می‌سازد و او را از دیگران متمایز می‌کند. منش شیوه پایدار و خاص جمعی‌ای برای دیدن معناسازی جهان اجتماعی و یک الگوی متمایز فرهنگی است. منش ساختار ذهنی‌ای است که افراد اجتماع از طریق آن با جهان اجتماعی ارتباط دارند.

٢١٩

۱. هر میدان تحت حاکمیت قواعدی است که عملکرد میدان تابع آن است؛ ۲. هر میدان محل نوعی منازعه است که عمدتاً به شکل منازعه سنت پرستان و سنت شکنان ظاهر می شود؛ ۳. هر میدان ناظر بر نوعی سرمایه است که منابع میدان را تعریف می کند؛ ۴. هر میدان با نوع خاصی از منش هم خوانی دارد (پرستش، ۱۳۹۰: ۱۱۲).

کنش: کنش محصول رابطه ناخودآگاه منش و میدان و پیامد رابطه منش و میدان است. کنش‌ها بیشتر برپایه شعور عملی شکل می‌گیرند تا محاسبه عقلانی یا حرکتی درونی با نیت عمدی، یا حتی با قصد برقراری رابطه با دیگری. کنش از دیدگاه جامعه‌شناختی، نه جنبه واکنشی صرف دارد و نه صرفاً آگاهانه و محاسبه‌شده است. این واقعیت که عامل بی‌دلیل عمل نمی‌کند، بدان معنا نیست که عقلانی عمل می‌کند و می‌توان برای عمل او دلیل آورد. البته، این امکان هست که بتوان برای عمل او دلیل آگاهانه یا ناآگاهانه ارائه داد و نیز می‌توان آن عمل را معقول دانست، بدون آنکه کار او عقلانی باشد. از این دیدگاه، عامل اجتماعی (کنشگر) خصلت‌هایی دارد که از راه تجربیات گذشته در وجود او نشسته است و حرکت‌هایی که از او سر می‌زند، براساس تشخیص و بازشناسی محرک‌های شرطی و قراردادی شکل

گرفته‌اند که رغبت پاسخگویی به آنها در عامل وجود دارد و قادر است بدون اعلان آشکار هدفها و بدون محاسبات عقلانی امکانات و ابزارها، راهبردی مناسب و پیوسته تطابق‌پذیر را به‌کار گیرد. در بحث دربارهٔ نظریهٔ عمل بوردیو، اصطلاحات دیگری نیز مطرح شده است که در ادامهٔ تحقیق به ذکر آنها و ارتباطشان با نظریهٔ عمل پرداخته می‌شود.

سرمایه فرهنگی: قبل از بورديو، مفهوم سرمايه صرفاً برای سرمايه انسانی و سرمايه طبيعيی بازتوليد شده به کار می رفت، اما بعدها مفهوم سرمايه به حوزه فرهنگ و هنر نیز راه یافت و مفهوم سرمايه فرهنگی به وجود آمد. سرمايه فرهنگی، از نظر بورديو، عبارت است از «شناخت و ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه خوب و شیوه های عمل مناسب» (فاضلی، ۱۳۸۶: ۴۷). بورديو، علاوه بر سرمايه فرهنگی، به سه نوع دیگر سرمايه (اقتصادی، اجتماعی و نمادین) نیز معتقد است و اساساً بین این چهارنوع تفاوت هایی هم قائل می شود. او معتقد است که «در هر میدانی، میان بازیگران یا گروه های اجتماعی چهارنوع سرمايه ردوبدل می شود که عبارت اند از: سرمايه اقتصادی، سرمايه فرهنگی، سرمايه اجتماعی، و سرمايه نمادین» (روحانی، ۱۳۸۸: ۱۵). از نظر بورديو، همه اشکال سرمايه به هم وابسته اند؛ مثلاً، سرمايه اجتماعی می تواند به سرمايه اقتصادی تعبیر شود. بورديو درباره اشکال گوناگون سرمايه فرهنگی معتقد است که سرمايه فرهنگی مجموعه ای از ثروت های نمادین است که از یک سو به معلومات کسب شده ای برمی گردد که به شکل رغبت های پایدار ارگانيسم حالت درونی شده به خود می گیرند؛ از سوی دیگر، به صورت موفقیت های مادی، سرمايه عينیت یافته میراث فرهنگی به شکل اموال جلوه می کند و سرانجام سرمايه فرهنگی می تواند به حالت نهادینه شده در جامعه به استعدادات فرد عينیت بخشد (شوپره و فونتن، ۱۳۸۵: ۹۷).

سرمایه فرهنگی درونی شده (تجسمی)، مانند دانش، فرهنگ و زبان، از طریق تلاش، تجربه و استعداد فرد حاصل می‌شود و با مرگ دارنده آن از بین می‌رود و نمی‌توان آن را انتقال داد. سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته (عینی) آن است که افراد جامعه هم از آن بهره‌مند می‌شوند و شامل مجموعه‌ای از میراث فرهنگی، مانند آثار هنری، تکنولوژی ماشینی و قوانین علمی، است که در تملک اختصاصی افراد و قابل انتقال به دیگران است؛ مانند کتاب‌ها، اسناد و اشیاء. سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده (نهادی) به‌مدد ضوابط اجتماعی و فراهم کردن عنوان‌های معتبر، برای افراد موقعیت کسب می‌کند و قابل واگذاری به دیگران نیست؛ مانند مدارک

بخش دوم: وضعیت ادبیات صدسال اخیر با رویکرد به شعر معاصر

۲. شعر سپید: مبتکر این قالب را احمد شاملو می‌دانند. این نوع شعر، هرچند آهنگین است، وزن عروضی ندارد و جای قافیه‌ها نیز مانند شعر نیمایی در آن مشخص نیست؛ مانند اشعار شاملو، یدالله رویایی، هوشنگ ایرانی، منوچهر آتش، طاهره صفارزاده و سیدحسن حسینی.

۳. شعر موج نو: مبتکر این قالب را احمد رضا احمدی می‌دانند. این نوع شعر نه وزن عروضی دارد و نه قافیه؛ به‌طوری‌که به نثر فارسی امروز نزدیک می‌شود، اما تنها فرق آن با نثر فارسی امروز تخیل شعری است؛ مانند اشعار احمد رضا احمدی، پرویز اسلامپور، هوشنگ چالنگی و احمد طاهری.

بسياري از محققان، مبتکر و خالق اوليه شعر معاصر را، پيش از نيما، شاعراني چون ابوالقاسم لاهوتي و ميرزاده عشقي و پس از آن‌دو، ادبياني چون تقی رفعت، جعفر خامنه‌اي، و شمس کسمايي مي‌دانند و در اثبات اين مدعا، مدارک و شواهد شعري از اين دسته آورده‌اند که در ادامه تحقيق به آنها پرداخته مي‌شود.

بخش سوم: اوضاع سياسي- اجتماعي صدسال اخير و تأثير آن بر روند نظم و نثر فارسي

جو حاکم بر صدسال اخير، تا اندازه‌اي، با دوره پيش از آن، يعني دوره مشروطه‌خواهي و اوج مبارزات مردم عليه استبداد حاکم، متفاوت است، هم به لحاظ حکومت پادشاهان قاجار و هم به لحاظ سير تاريخي ادبيات فارسي و واکنش شاعران و نويسندگان به اوضاع جديد، خصوصاً دو دوره سلطنت و حاکميت پادشاهان پهلوي. تقريباً، از اواخر دوره مشروطه، با به ثمر رسيدن مشروطيت در ايران و آغاز حکومت سلسله پهلوي در ايران و پس از آن پديده انقلاب اسلامي و حکومت ديني و مردم‌سالاري، اوضاع حاکم نيز تا حدودي روند ديگري به خود گرفت. ادبيات صدسال اخير را مي‌توان در دو دوره سلطنت پهلوي و انقلاب اسلامي بررسي کرد. ابتدا، حاکميت و شيوه‌ي مديريت سلسله پهلوي و حکومت دو پادشاه اين دوره بررسي مي‌شود که سرآغاز پيدايش جنبش‌ها و حرکت‌هاي مردمي و ديده‌گاه‌هاي سياسي مختلف بود و در نهايت به انقلاب اسلامي ختم شد. سپس، آغاز حکومت اسلامي و پايه‌ريزي و ادامه آن با الهام از قوانين دين اسلام بررسي خواهد شد. هم‌زمان با اين نوع دگرگوني‌ها، موج تازه‌اي نيز در ادبيات فارسي پيدا شد. تحولات حکومت و قوانين دولتي و شرايط سياسي- اجتماعي حاکم در اين دوره به گونه‌هاي مختلف سبب ايجاد تغييرات اساسي در ادبيات فارسي شد که خود در ايجاد نوآوري و پيدايش سبک جديد در شعر معاصر سهم بسياري داشت. ابتدا، شرايط حاکم بر دوره پهلوي، که اساساً بر شيوه اروپايي و آمريکايي تمرکز داشت، مخالفت‌ها و انتقادهای فراوان شاعران و نويسندگان را برانگيخت و آن تغيير شکل اساسي در سبک‌ها و قالب‌هاي ادبي و هنري بود که آثار ممتازي به جهان ادب معرفي کرد و بعد از آن در دوره انقلاب اسلامي تا امروز اين روند ادامه داشته و سير صعودي خود را نمايان کرده است؛ به طوري که اديبان و هنرمندان امروز با خلقيت‌ها و اندیشه‌هاي مدرن و پيشرفته خود و تاحدودي با الهام از ادبيات جهان، به ابتکارات جديد دست زده‌اند و نوآوران ادبي جايگاه

یافته‌های تحقیق

می‌توان با توجه به مقوله‌های اساسی نظریهٔ عمل بوردیو، یعنی، منش، میدان و کنش، اشعار شاملو را بررسی کرد تا بتوان به طرز تفکر و نوع عملکرد شاعر (کنش) دست یافت.

۲۲۴

- میدان: میدان و عرصه حاکم بر اندیشه‌ها و عملکرد شاملو، دو دوره پهلوی و انقلاب اسلامی را دربرمی‌گیرد. از آنجاکه طبق نظر بوردیو، هر اجتماعی از فضاهاى خرد (طبقات یا میادین) تشکیل می‌شود، هریک از دوره‌های پهلوی و انقلاب اسلامی شامل ا فشار و طبقات مختلفی است که میادین بازی را برای بازیگران کنشگر و عاملان اجتماعی به‌وجود می‌آورد. ا فشار مسلط در اوایل عصر پهلوی، همچون اواخر دوره قاجار، شامل خاندان سلطنتی، کارمندان سطح بالای اداری، زمین‌داران بزرگ، خان‌های عشایر، علمای بانفوذ، و تجار ثروتمند بودند» (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۹۳: ۷۶). طبقات اجتماعی اصلی در آستانه انقلاب ۱۳۵۷، شامل این دسته‌ها بود: ا فشار مسلط، شامل متخصصان غرب‌گرا و کارمندان دولت و بورژواهای جدید روبه‌رشد؛ ا فشار متوسط و متوسط پایین‌شهری که در هیئت کارمند در بخش دولتی و خصوصی مشغول به‌کار بودند؛ طبقات متوسط و متوسط پایین سنتی که شامل اکثریت علما، تاجران خرد، کسبه و پیشه‌وران و شاگردان آنها بودند؛ طبقه کارگر بسیار ناهمگون، از جمله کارگران ماهر، نیمه‌ماهر صنعتی، کارگران ساده، کارگران فصلی و افراد دیگری در مشاغل حاشیه‌ای و طبقات مرتبط با زمین که از زمین‌داران خرد، دهقانان و برزگران خوش‌نشین ترکیب می‌یافت (همان، ۷۵ و ۷۶).

– **کنش:** کنش شاملو فرآیند تضاد دیالکتیکی منش و میدان اوست. منش پایدار شاملو در مواجهه با میدان قدرت حاکم او را به یک کنشگر و عامل اجتماعی روشنفکر و سیاستمدار مبدل کرد و او را در طبقه متوسط جامعه و در جایگاه مستقل قرار داد. شاملو با برخورداری از سرمایه‌های فرهنگی موجود، برای رسیدن به اهداف حقیقی و آرزوهای خود، در زیرمیدان تولید شعر، به بازتولید دست زد و با سرودن شعر و بیان واقعیت‌های اجتماعی موجود در جامعه، به افشای خیانت‌های قدرت حاکم پرداخت تا از بی‌عدالتی‌های او و ایادی سرسپرده‌اش پرده بردارد. اولین نشانه‌های این اقدام را در نوآوری و پیدایش سبک جدید در شعر فارسی می‌بینیم. او برای جبران خلئی که در ادبیات آن دوره احساس می‌کرد، نیاز به رهاشدن از قالب‌ها و اوزان عروضی در شعر را احساس کرد؛ چراکه نوآور بزرگ پیش از او، هنوز از دام وزن و قافیه به‌طور کامل خلاص نشده بود و هنوز اثر و ردیای شعر کهن در شعر آن دوره و

بررسی کنش‌های شعری شاملو در میدان با تکیه بر واقعیت‌های اجتماعی جامعه

۱. سیاست‌زدگی

(الف) دورهٔ اول (قبل از ظهور آیداً): از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۱

این قطعه به مناسبت رویداد تاریخی ۲۳ تیر ۱۳۳۰ سروده شد؛ روزی که در آن به درخواست حزب توده، تظاهراتی در اعتراض به ورود آوړل هریمن به راه افتاد. در این تظاهرات، ۳۰ نفر

(ب) دورہ دوم (بعد از ظہور آیدا): از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۷۹

چه هنگام می‌زیستام؟/ کدام مجموعه پیوسته روزها و شبان را من/ اگر این آفتاب/ هم آن مشعل
کال است/ بی‌شبنم و بی‌شفق/ که نخستین سحرگاه جهان را آورده است (شاملو، ۱۳۸۷: ۸۰۹).

که‌ایم و کج‌ایم چه می‌گوییم و در چه کاریم؟ پاسخی کو؟/ به انتظار پاسخی / عصب می‌کشیم و به لطمهٔ بژواکی کوهوار / درهم می‌شکنیم (شاملو، ۱۳۸۷: ۸۱۳).

۲. اجتماع‌گرایی و بحران مشروعیت

۲۲۷

مفهوم کنش ارتباطی به هم‌کنشی دو فاعلی اشاره دارد که با برخورداری از توان سخن‌گفتن و عمل‌کردن روابط بیناشخصی برقرار می‌کنند. این کنشگران می‌کوشند دربارهٔ وضعیت کنش و برنامه‌های خود به تفاهم برسند تا کنش‌های خود را از طریق توافق هماهنگ کنند (هابرماس، ۱۳۷۷: ۱۱۴).

خیابان در این قطعه از نگاه شاعر فضایی دوقطبی است و منظور از دوقطبی بودن تنها قطب شمال و قطب جنوب نیست، بلکه مراد شاعر بیان دو زیست‌جهان متفاوت است. البته، «در نگاه شاملو، خیابان خود پیکره‌ای دارد که گاه با زیست‌جهان معترضین هماهنگ و گاه با زیست‌جهان سرکوبگران هماهنگی دارد» (مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲). شاعر در این قطعه، دو قطب خیابان شهر را در تضاد و ستیز می‌داند:

و توصیه شاعر به این دو قطب متضاد و ستیزه جو چنین است:

و تو از جانب من / به آن کسان که به زبانی معتادند / و اگر زبانی نبرند که با خوی‌شان بیگانه بود / می‌پندارند که سودی برده‌اند و به آن دیگر کسان / که سودشان یک‌سر / از زبان دیگران است / و اگر سودی بر کف نشمارند / در حساب زبان خویش نقطه می‌گذارند، بگو: دلتان را بکنید / بیگانه‌های من دلتان را بکنید... دلتان را بکنید که در سینه تاریخ ما / پروانه پاهای بی‌پیکر یک دختر / به جای قلب همه شما / خواهد زد پرپر (شاملو، ۱۳۸۷: ۴۱).

شاعر با این توصیه هردو قطب را به وحدت فرامی‌خواند و مایل است که قطب‌ها با یکدیگر دوست باشند. با اینکه می‌داند یکی در این میان پیروز خواهد شد و دیگری به کام مرگ خواهد رفت. این همان اجتماع‌گرایی (هم‌فراخوانی یا کنش ارتباطی) شاعر است. این دوقطبی بودن، در قطعات «برای خون و ماتیک» (انسان و شیطان)، «تا شکوفه سرخ یک پیراهن» (زحمتکشان و احمقان)، «قصیده برای انسان ماه بهمن» (شاعران و شاعرنمایان)، «تنها» (اختران پرپر شده بر سنگ‌فرش خیابان‌ها و تماشاگران)، «کیفر» (تنوع زندانیان)، «مرثیه» (غنچه‌ها و دست ستم‌آلود گل‌چین‌ها) و... نیز جریان دارد. شاملو در این زمینه بیشتر از اشعار تقدیمی بهره می‌جوید و در بسیاری از آنها از نماد استفاده می‌کند. آنچه بیشتر در این گونه اشعار مشاهده می‌شود، ستیزی است که میان آنچه هست و آنچه باید باشد جلوه‌گر است. در این نوع اشعار، همیشه عامل یا عواملی هستند که مانع شکل‌گیری کنش ارتباطی (بحران مشروعیت) می‌شوند و نمی‌گذارند فریادهای دادخواهی و عدالت‌طلبی شنیده شود. نکته حائز اهمیت، احساسات شعری و علایق خاص شاعر است که مبتنی بر آمال او است. آرزو و احساسات دو وجه از دلبستگی هستند که در نیازها ریشه دارند. از آنجاکه شاملو، طبق نظریه ماس، نیازهای جامعه سالم را در حیطه آزادی و به دور از بحران مشروعیت می‌داند و علاقه دارد که آنها را به دیگران بشناساند، برای معرفی این نیازها در جامعه دموکرات و نیز شناخت خود، سعی می‌کند با زبانی انتقادی، که یگانه‌ابزار ارتباطی و ابزار سلطه بشر بر طبیعت است، آنها را به مخاطبان خویش بشناساند.

۳. اعتراض و انتقاد

اعتراض و انتقاد از کنش‌های شعری بارز شاملو است؛ خصوصاً در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷). اعتراض و انتقاد شاملو بیشتر در اشعار سیاسی او دیده می‌شود. این گونه اشعار معمولاً شامل اشعار دوره اول او است و در دوره دوم، که سیاست در اشعار او رنگ می‌بازد، اعتراض و انتقاد

الف) در عرصه شعر و ادب

این بازوان اوست/ با داغ‌های بوسهٔ بسپارها گناهش/ وینک خلیج ژرف نگاهش/ کاندِر کبود
مردمک بی‌حیای آن/ فانوس صدمنا - گنگ و نگفتی-/ با شعلهٔ لجاج و شکیبایی می‌سوزد...
(شاملو، ۱۳۸۷: ۲۹).

و بگذار این چنین بشناسد مرد/ در روزگار ما/ آهنگ و رنگ را/ زیبایی و شکوه و فریبندگی را/ زندگی را/ حال آنکه رنگ را/ در گونه‌های زرد تو می‌باید جوید، برادرم/ در گونه‌های زرد تو وندر/ این شانهٔ برهنهٔ خون‌مرده/ از همچو خود ضعیفی/ مضراب تازیانه به تن خورده/ بار گران خفت روحش را/ بر شانه‌های زخم تنش برده... (شاملو، ۱۳۸۷: ۲۸).

۲۳.

لبانت به ظرافت شعر/ شهوانی‌ترین بوسه‌ها را به شرمی چنان مبدل می‌کند/ که جاندار غارنشین از آن سود می‌جوید/ تا به‌صورت انسان درآید/ و گونه‌های/ با دو شیر مورب/ که غرور تو را هدایت می‌کنند/ و سرنوشت مرا/ که شب را تحمل کرده‌ام/ بی‌آنکه به انتظار صبح/ مسلح بوده باشم/ و بیکارتی سربلند را/ از روسپی خانه‌های دادوستد/ سربمهر باز آورده‌ام (شاملو، ۱۳۸۷: ۴۹۵).

اعتراض و انتقاد شاملو در عرصه سیاست و اجتماع نیز بیشتر در اشعار دوره اول دیده می‌شود. شاملو در این‌گونه اشعار، واقعیت‌های تلخ اجتماع را به‌گونه نمادین و با بهره‌گیری از واژه‌های نمادینی چون مرغ دریا، بهار خاموش، مه، بادها، خفاش شب، دیوارها، مرغ باران، پریا و... به‌تصویر می‌کشد و همواره و همه‌جا فریاد اعتراض برمی‌آورد. برای نمونه، قطعه «۲۳» که در سال ۱۳۳۰ سروده شده است:

هی! چه کنم‌های سربه‌وای دستان بی‌تدبیر تقدیر / پشت میله‌ها و میله‌های اشرافیت / پشت سکوت و پشت دارها / پشت اقترها، پشت دیوارها / پشت امروز و روز میلاد - با قاب سیاه شکسته‌اش / پشت رنج، پشت نه، پشت ظلمت / پشت پافشاری، پشت ضخامت / پشت نومیدی سمج خادوندان شما / و حتا و حتا پشت نازک دل عاشق من / زیبایی یک تاریخ / تسلیم می‌کند بهشت سرخ گوشت تنش را / به مردانی که استخوان‌هاشان آجر یک بناست / بوسه‌هاشان کوره است و صداشان طبل / و پولاد بالش بسترشان / یک پتک است (شاملو، ۱۳۸۷: ۴۲).

٤. ترسیم حقیقت‌ها و واقعیت‌ها

یکی از کنش‌های شعری شاملو ترسیم حقیقت و بیان واقعیت‌های تلخ جامعه است. شاملو به سبب انتخاب سبک زندگی و موضع‌گیری‌های خصمانه در برابر قدرت حاکم، هراسی از بازگویی حقیقت و بیان واقعیت نداشت. او از اینکه دیگران از برملاشدن حقیقت‌ها و واقعیت‌ها وحشت دارند رنج می‌برد. این ویژگی را در بسیاری از اشعار او به وضوح می‌توان مشاهده کرد؛ برای مثال، قطعه «بریا» از نمونه‌های روشن این ویژگی است. شعر مزبور در سال ۱۳۲۲،

شاعر در ادامه این سه پری را توصیف می‌کند و مدام با آوردن موتیف‌های افسانه‌ای زیبایی آنها را به رخ می‌کشد:

فضاسازی در این سروده از اهمیت خاصی برخوردار است. شاعر قهرمانان این افسانه را بین دو فضای تیره معلق نگه داشته است؛ یکی فضای افسانه‌ای و اسطوره‌ای پشت سر آنها که از آنجا آمده‌اند و اکنون در سیاهی تاریخ محو شده است، و دیگری فضای حال حاضر که بر آن فرود آمده و نظاره‌گر آن هستند:

دنیای پشت سر پری‌ها بیانگر یک روایت تلخ و دردناکی است که با گذشت روزگار روایت می‌شود. دنیایی که تاریک و سیاه است و از آن ناله‌های شیگیر انسان‌های دربند به گوش می‌رسد و دنیایی که در برابر خود می‌بینند، نیز دنیای پر از ظلمت و وحشت است، دنیایی که غلامان در آن به اسارت گرفته می‌شوند و صدای زنجیر اسارت از همه‌جا شنیده می‌شود:

گریه و زاری پری‌ها بیان‌کنندهٔ درد و رنجی است که انسان‌ها در طی تاریخ و با گذشت زمان یکی پس از دیگری و نسل به نسل به دوش می‌کشند. شاعر در این روایت حکم راوی را دارد

پریا گشتنونه؟/ پریا تشنه‌تونه؟/ پریا خسته شدین؟/ مرغ پرسته شدین؟/ چیه این‌های‌هاتون؟/ گریه‌تون وای‌وای‌تون؟/ پریا هیچ‌چی نگفتن، زار و زار گریه می‌کردن پریا/ مٛ ابرای باهار گریه می‌کردن پریا (همان، ۱۹۶).

در این گفت‌وگو، شاعر از پری‌ها فاصله می‌گیرد و آنها را فراموش می‌کند و در رؤیاهای خویش نرق می‌شود «و در نتیجهٔ پیوستن به این فانتزی، به‌نوعی از پری‌ها جدا می‌شود و به رؤیای زیبای خود پناه می‌برد، رؤیایی که در آن شهری فارغ از ظلم و تباهی بنا شده و همه‌چیز بر وفق مراد است» (سلاجقه، ۱۳۸۷: ۲۸۰)، اما پس از مدتی از حقیقت آگاه می‌شود و این خیال‌بافی‌های فانتزی به تراژدی سوزناکی بدل می‌گردد. شاعر، پس از بیرون‌آمدن از دنیای تخیل، واقعیت‌های اجتماع را با چشم باز می‌بیند و احساس می‌کند و آن‌گاه به حقیقت می‌رسد: دنیای ما قصه نبود/ پیغوم سربسته نبود/ دنیای ما عیونه/ هرکی می‌خواد بدونه/ دنیای ما خار داره/ بیابوناش مار داره/ هرکی باهاش کار داره/ دلش خبردار داره/ دنیای ما بزرگه/ پر از شغال و گرگه (همان، ۲۰۰ و ۲۰۱).

ایجاد فضای ظلمانی و خفقان‌آور از ویژگی‌های حاکمان مستبد و خودکامه است که در هیچ دوره‌ای از چشم مردم خصوصاً شاعران مخفی نمانده است. جامعه عصر شاملو در دوره پهلوی به مردم بی‌گناه آسیب می‌رساند و آنان را از بی‌عدالتی‌ها و خیانت‌های خود بی‌خبر می‌گذاشت. بیان ظلمت و خفقان به تعبیر متفاوت و بارها در اشعار شاملو به چشم می‌خورد. او، همان‌طور که از بر ملا کردن حقیقت هراسی نداشت، از بیان ظلمت و خفقان حاکم بر جامعه نیز بیم نمی‌ورزید؛ چراکه شاعری سیاسی بود و ضروری می‌دانست که در برابر دولت ظالم از ابراز و اظهار واقعیت خویش‌داری نکند؛ برای نمونه، شعر «شبانه»، که به گوهر مراد تقدیم شده است، از نمونه‌های روشن این ویژگی است:

کوچه‌ها تاریک دکونا بسته‌س / خونه‌ها تاریک تاقا شیکسته‌س / از صدا افتاده تار و کمونچه / مرده می‌برن کوچه به کوچه (شاملو، ۱۳۸۷: ۴۴۶).

«این شعر هم در زمان خود به‌عنوان شعر سیاسی معروف شد. در این شعر، اجتماع ایران در یکی از شب‌های تاریک تاریخ توصیف شده است» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۶۳۳).

۶. نتیجه‌گیری

در تحلیل جامعه‌شناختی اشعار احمد شاملو با استفاده از نظریه «عمل»، شاملو عامل و کنشگری است که نقش بازیگر را در جامعه ادبی ایفا می‌کند. منش (ذهنیت) شاملو با درنظرگرفتن نوع تربیت فردی و اجتماعی او در جامعه شکل می‌پذیرد. شاعر با ذائقه خاص خود، در مواجهه با آشفتگی میدان قدرت که حاکمیت را یگانه‌وسيله سلطه بر اذهان مردم می‌داند، به میزان برخورداری از سرمایه‌های موجود، سبک زندگی خود را انتخاب می‌کند و با توجه به جایگاهی (قطب استقلال) که در آن قرار می‌گیرد، موضع‌گیری‌ای به‌شدت منفی از خود نشان می‌دهد. شاعر در اثر تضاد دیالکتیکی (بین منش و میدان) از خود کنش نشان می‌دهد و فرآیند آن نوآوری و پیدایش شعر نو در میدان تولید ادبی، خصوصاً زیرمیدان تولید شعر است. منش شاعر، در مواجهه با آشفتگی میدان قدرت، در کنش او تأثیر شگرفی می‌گذارد. درنتیجه، فرآیند آن برای شاعر، سرودن شعر و خلق اثر ادبی در میدان ادبی، خصوصاً زیرمیدان تولید شعر است. شاعر با سرودن شعر به کاستی‌های موجود در جامعه اشاره می‌کند و از بی‌عدالتی قدرت حاکم پرده برمی‌دارد و به افشای خیانت دست می‌زند.

پی‌نوشت

1. Anne Louise Germaine de Staël-Holstein
2. Lucien Goldmann
3. Theodor Ludwig Wiesengrund Adorno
4. Erich Kohler
5. Mikhail Mikhailovich Bakhtin

منابع

اسکارپیت، روبر (۱۳۹۲) *جامعه‌شناسی ادبیات*. ترجمه مرتضی کتبی. چاپ یازدهم. تهران: سمت.
اسماعیلی، حمیدرضا (۱۳۹۰) *انقلاب و فرهنگ سیاسی ایران*. تهران: مهر.

بورديو، پير (۱۳۹۶) نظريهٔ کنش. ترجمهٔ مرتضیٰ مردیها. چاپ هفتم. تهران: نقش ونگار.

پرستش، شهرام (۱۳۸۸) «بررسی ساختاری زیرمیدان شعر در ایران». *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*. شماره ۱: ۲۳-۳۸.

یرستش، شهرام (۱۳۹۰) *روایت نایودی ناب*. تهران: ثالث.

جمشیدیه، غلامرضا، و شهرام پرستش (۱۳۸۶) «دیالکتیک منش و میدان در نظریهٔ عمل پیر بوردیهو». *نامهٔ علوم/حتماع*. شمارهٔ ۳۰: ۱-۳۲.

حقوقی، محمد (۱۳۸۷) شعر زمان ما. تهران: نگاه.

روحانی، حسن (۱۳۸۸) «درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی». راهبرد. سال هجدهم. شماره ۵۳: ۳۶-۵. سارتر، ژان پل (۱۳۴۸) ادبیات چیست؟ ترجمه ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی. تهران: زمان. سرکیسیان، آیدا (۱۳۸۱) بامداد همیشه. تهران: نگاه.

سلاجقه، پروين (۱۳۸۷)/ميرزاده كاشي‌ها. چاپ دوم. تهران: مرواريد.

شاملو، احمد (۱۳۸۷) مجموعه آثار، "دفتر یکم: شعرها". چاپ هشتم. تهران: نگاه.

شفیعی، کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۶) تازیانہ‌های سلوک. چاپ دوم. تهران: آگاہ.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۳) *راهنمای ادبیات معاصر*. تهران: میترا.

شوپره، کریستین، و اولیویه فونتن (۱۳۸۵) *واژگان پیر بوردیو*. ترجمه مرتضی کتبی. تهران: نی.

فاضلی، محمد (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی مصرف موسیقی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

فلاح‌ت‌خواه، فرهاد (۱۳۸۵) «مروزی بر اندیشهٔ احمد شاملو». *ادبیات فارسی*، شماره ۵: ۷۶-۵۷.

گر نفل، مایکل (۱۳۹۳) مفاهیم کلیدی پیر بور دیو. ترجمه محمد مهدی لسیه. چاپ دوم. تهران: افکار.

مرتضوی، سیداحمد؛ ایرج ساعی ارسبی، و سعید معدنی (۱۳۹۶) «بررسی بازتاب ستیز اجتماعی در اشعار

احمد شاملو با مفاهيم جامعه‌شناسي، بورگن هاب ماس، «علوم اجتماعي»، شماره ۷۹: ۲۳۵-۲۶۸.

هابرماس، یورگن (۱۳۷۷) «نظریه کنش ارتباطی». ترجمه ابراهیم سلطانی. مجله کیان. سال هشتم.

شما، ه ۴۵: ۱۵۷-۱۵۹.